

تحلیل راهبردی تحقق آرمان فلسطین در پرتوی بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۷

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۸

حسین آجورلو^۲

چکیده

با آغاز تحول‌های اخیر جهان عرب و سقوط نظام‌های برخی کشورهای عربی و همچنین گسترش تفکرهای اسلامی، زمینه‌های ایجاد موج جدید بیداری اسلامی به وجود آمده و به نظر می‌رسد این موج در سال‌های اخیر، دوباره پویایی خود را یافته‌است. بیداری اسلامی به‌عنوان فرصتی برای تحقق آرمان فلسطین محسوب می‌شود که عملی شدن آن به تحلیل، بررسی و ارائه راهکارهایی علمی و اجرایی، نیازمند است. این مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش است که «بر مبنای روش تحلیل راهبردی SWOT» و با توجه به فرصت بیداری اسلامی، راهبردهای مناسب و ممکن برای تحقق آرمان فلسطین کدام‌اند؟؛ در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل راهبردی سعی شده نقاط قوت قضیه فلسطین، مانند مقاومت، حمایت عمومی، حمایت خارجی و نقاط ضعف آن نظیر اختلاف‌های درونی، مشکلات اقتصادی، عدم وجود تشکیلات منسجم و رهبری واحد و همچنین تهدیدهای پیش روی آن، مانند سیاست خارجی هوشمند، شهرک‌سازی و اقدام‌های دستگاه امنیتی رژیم صهیونیستی و نیز، اقدام‌های جریان محافظه‌کار منطقه خاورمیانه ضد جریان مقاومت شناسایی شوند. با مدنظر قرار دادن فرصت مناسب بیداری اسلامی در پی تحول‌های اخیر در جهان عرب، تلاش‌هایی به‌منظور ارائه راهبردهای نهادینه‌کردن ایدئولوژی اسلامی، راهبرد حرکت تشکیلاتی و راهبرد گسترش وحدت انجام شده‌اند که به نظر می‌رسد برای پیشبرد بیداری اسلامی در مسیر صحیح و اصیل آن می‌بایست، در جهت این راهبردها حرکت کرد.

واژگان کلیدی: آرمان فلسطین، بیداری اسلامی، تحلیل راهبردی، خاورمیانه، شمال آفریقا.

*۱. استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی. (نویسنده مسئول: jdeghani20@yahoo.com)

۲. دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه اسلامی لبنان.

مقدمه

قضیه فلسطین در یک قرن اخیر به نماد ظلم یک ایدئولوژی توسعه‌طلب و نژادپرست (یعنی صهیونیسم) به یک ملت و سرزمین، بدل شده و این ظلم، موجب آوارگی میلیون‌ها انسان از سرزمین خود، یعنی فلسطین شده است؛ جلوگیری از فراموشی این قضیه در اذهان عمومی، واجب است. یکی از عواملی که مانع از فراموشی قضیه فلسطین می‌شود، جریان بیداری اسلامی است؛ این جریان به‌عنوان یک روند به مسلمانان یادآوری می‌کند که باید در اقدام‌ها و سیاست‌هایی که تاکنون در پیش گرفته‌اند، به‌طور جدی بازبینی کنند و با مراجعه به منابع فکری و دینی اصیل خود و شرایط کنونی جهان، مانع از ظلم‌پذیری و تسلط دیگران بر خود شوند.

جریان اصیل بیداری اسلامی، دارای گفتمان‌های متعدد مانند ظلم‌ستیزی، وحدت جهان اسلام، مبارزه با فساد، مقابله با سکولاریسم و عدالت اجتماعی است که ظلم‌ستیزی از همه مهم‌تر است؛ به همین دلیل، این جریان، فرصتی مناسب برای به‌سرانجام‌رساندن قضیه فلسطین به‌عنوان مهم‌ترین چالش و مسئله جهان اسلام در چند دهه اخیر به‌شمار می‌آید و در طرف مقابل نیز، غرب و رژیم صهیونیستی با درک قدرت مخرب این جریان برای خود، سعی دارند که آن را منحرف‌کنند چراکه تهدیدی جدی برای آنان محسوب می‌شود.

به دلیل اهمیت و ابعاد گوناگون جریان بیداری اسلامی، این جریان در برابر انحراف‌هایی نظیر افراط و تفریط قرارداد که رهایی از این انحراف‌ها به کار علمی و تحقیقاتی در این زمینه، نیازمند است؛ در این راستا می‌بایست نخبگان علمی و اجرایی در حوزه‌های مختلف تخصصی و میان‌رشته‌ای فعال شوند. لازم به اشاره است که در دنیای امروز، اگر تصمیم‌ها مبتنی بر راهبردی شناخته‌شده و علمی در حوزه علوم انسانی نباشند یا بدون توجه به اصول و قواعد علمی و تحقیقاتی صحیح اتخاذ شوند، موجب بروز انحراف در اصیل‌ترین مفاهیم از جمله بیداری اسلامی می‌شوند که نتیجه آن برای جامعه اسلامی، مصیبت‌بار خواهد بود.

مدل تحلیل راهبردی با شناسایی دقیق نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و ترسیم شرایط موجود، به تدوین اهداف و راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت اقدام می‌کند که در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از این مدل، چگونگی تحقق آرمان فلسطین در پرتو تحول‌های بیداری اسلامی بررسی و راهبردهایی برای پیشبرد آرمان فلسطین ارائه شوند.

بر این اساس، پرسش اصلی این است که «بر مبنای روش تحلیل راهبردی (SWOT) و با توجه به فرصت بیداری اسلامی، مهم‌ترین راهبردهای مناسب و ممکن برای تحقق آرمان فلسطین کدام‌اند؟»؛ پاسخ موقت به عنوان فرضیه، آن است که «نهاده‌ها کردن ایدئولوژی اسلامی، راهبرد حرکت تشکیلاتی و گسترش وحدت، مهم‌ترین راهبردهای مناسب و ممکن برای تحقق آرمان فلسطین هستند».

الف- بررسی ادبیات پژوهش

در خصوص موضوع مورد نظر، کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌ای مستقل به دلیل به‌روزر بودن موضوع نوشته نشده است و منابعی که موجودند، کمتر به‌طور مستقیم به این موضوع پرداخته‌اند؛ بیشتر منابع که به عنوان داده تحلیلی در اختیار بوده به صورت منابع ژورنالیستی و روزنامه‌ای هستند؛ اما به دلیل اینکه پژوهش مورد نظر، و رای موضوع جدید، سعی دارد یکی از مباحث علمی در حوزه روابط بین‌الملل را تحلیل کند، لازم است منابعی هر چند غیرمستقیم با موضوع بررسی شوند که به‌طور اختصار به چند مورد آنها اشاره می‌کنیم:

کتاب دو جلدی *بیداری اسلامی* که به کوشش مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران منتشر شده، در جلد اول به دلایل و ریشه‌های بیداری اسلامی پرداخته است؛ در این کتاب، ظهور حکومت‌های ملی و جوامع مدرن عربی و نیز تحلیل روابط پیچیده این دو، ابعاد مختلف بحران کشورهای عربی را تا دهه ۹۰ میلادی، به بهترین شکل ممکن، آشکار می‌شود و پیش‌زمینه‌ای مناسب برای بحث چرایی ایجاد موج جدید بیداری اسلامی محسوب می‌شود.

در جلد دوم، برخلاف بیشتر کارهای انجام شده در حوزه بیداری اسلامی، درباره لایه‌های مکتوم جوامع و حکومت‌های عربی بحث می‌شود و در حد امکان از بیان مباحث تاریخی، نتایجی غیرعلمی و کلی پرهیزی می‌کند و با تمرکز بر عوامل بی‌ثباتی‌ها و نابسامانی‌ها در برخی از کشورهای عرب منطقه، به بررسی ظرفیت جوامع و دولت‌های آنها در پذیرش فضای جدید، یعنی اقتدار و تأثیرگذاری عامل اسلام می‌پردازد.

کتاب *بیداری اسلامی، هویت تمدنی و چالش‌های پیش رو* که تقی صوفی نی‌سارکی آن را نگاشته است، به بررسی مسائل مختلف، مانند حوزه بیداری اسلامی در کشورهای عربی، تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی، آسیب‌شناسی پیش روی بیداری اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری پرداخته است.

ب- روش پژوهش

تلاش نظری در حوزه روابط بین‌الملل، مانند سایر حوزه‌های علوم اجتماعی به‌طور عمده به تشخیص و تبیین نظم حاکم بر امور بشری، معطوف است که به شکل خاص کوشش اندیشمندان سیاسی برای توضیح فرایندها و موضوع‌ها و به شکل عام رابطه و برآیند میان‌دولتی و فرادولتی را دربرمی‌گیرد که درواقع، هر نظریه به‌خصوص نظریات تبیینی نقشه راهی برای تحلیل سیاست خارجی هستند (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶) که لازمه آن تحلیل، استفاده از روش پژوهش علمی در مورد یک پدیده روابط بین‌الملل است.

روش تحلیل راهبردی (SWOT)، یکی از روش‌های تحلیل در رشته مدیریت راهبردی است که در آن با شناسایی دقیق عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) و ترسیم شرایط موجود، به تدوین اهداف و راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت آن اقدام می‌شود (ن ک:فاین، ۲۰۰۹؛ پال و ویچتر، ۲۰۰۷؛ بوهم، ۲۰۰۸). این روش برگرفته از مکتب پیش‌تدبیری یا تجویزی^۱ است که بر طراحی و پیش‌بینی تدابیر تحلیلی از طریق تحت نظم و قاعده درآوردن^۲، به‌اجرا درآوردن^۳ و ارزیابی کردن^۴ برای تحقق اهداف تأکید دارد (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۱)؛ این روش، دیدی کلان و آینده‌نگر دارد و کمک می‌کند، تحلیلی بهتر از اوضاع موجود و در نتیجه، تصمیم‌گیری درستی به‌دست‌آید (محمدی و رفیعی، ۱۳۹۱، سایت تقریب).

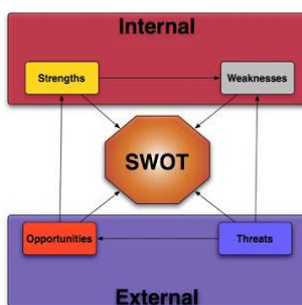
۱- حروف اختصاری (SWOT) که درحقیقت، عناصر اصلی تشکیل‌دهنده آن را بیان می‌کنند، عبارت‌اند از:

- ۱-۱- نقطه قوت (S): نقطه قوت یک پدیده روابط بین‌الملل، در کاربرد موفق از توانمندی‌ها درون آن است که عامل کلیدی در جهت پیشبرد اهداف به‌شمار می‌آید.
- ۲-۱- نقطه ضعف (W): نقطه ضعف یک پدیده روابط بین‌الملل، در کاربرد ناموفق از توانمندی‌ها درون آن است که عاملی در جهت عدم دستیابی به اهداف است (صائمان و ارغنده، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

-
- 1 . Prescriptive School
 - 2 . Formulation
 - 3 . Implementation
 - 4 . Evaluation
 - 5 . Strengths
 - 6 . Weaknesses

۱-۳- فرصت (O): وجود وضعیت مطلوب در محیط بیرونی یک پدیده روابط بین‌الملل است که با بهره‌برداری صحیح از آن، می‌توان به نتایج یا عوایدی قابل توجه دست‌یافت و همچنین شرایطی ایجاد می‌کند که با بهره‌گیری صحیح از آنها، اهداف را محقق و تهدیدها را دفع کند.

۱-۴- تهدید (T): وجود وضعیت نامطلوب از جمله هر اقدام و تحرک بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی در محیط بیرونی که موجودیت و منافع حیاتی یک پدیده روابط بین‌الملل را به‌خطر بیندازد و نیز موانع و چالش‌هایی ایجاد کند که باعث کاهش سرعت در دستیابی به اهداف شود (محمدی و رفیعی، ۱۳۹۱، سایت تقریب).



شکل شماره یک

Source: SWOT ANALYSIS, TOWS ANALYSIS

۲- برای تنظیم ماتریس (SWOT) باید چهار وضعیت از راهبردهای ممکن ترسیم‌شود تا بتوان به تحلیلی مطلوب دست‌یافت که عبارت‌اند از (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۵ و ۵۶):

۱-۲- راهبردهای قوت-فرصت (SO): این وضعیت، مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین وضعیت برای یک پدیده در روابط بین‌الملل است؛ بدین معنی که پدیده ضمن آنکه دارای نقاط قوت مناسب است، در محیط بیرونی خود نیز با فرصت، مواجه است؛ بنابراین، این وضعیت راهبردها، چگونگی به‌کارگیری توانایی موجود پدیده را در جهت بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های محیطی نشان می‌دهد.

۲-۲- راهبردهای قوت-تهدید (ST): در این وضعیت، یک پدیده روابط بین‌الملل، هرچند نقاط قوتی مناسب دارد، در محیط بیرونی خود نیز با تهدیدهایی مواجه است؛ بنابراین، این وضعیت راهبردها، چگونگی به‌کارگیری از حداکثر توانایی موجود را برای مقابله [با] تهدیدهای محیطی نشان می‌دهد.

-
- 1 . Opportunities
 - 2 . Threats

۲-۳- راهبردهای ضعف - فرصت (WO): در این وضعیت، هرچند فرصت‌هایی برای یک پدیده روابط بین‌الملل در محیط فراهم است، با نقاط ضعف جدی نیز از درون، مواجه است؛ بنابراین، در این وضعیت راهبردها، باید تلاش خود را برای جبران نقاط ضعف با استفاده مناسب از فرصت‌های محیطی به‌کاربرد.

۲-۴- راهبردهای ضعف - تهدید (WT): این وضعیت، بدترین شرایط را برای یک پدیده روابط بین‌الملل ایجاد می‌کند زیرا، به‌رغم نقاط ضعف درونی، در محیط بیرونی نیز با تهدیدهایی گوناگون باید مقابله‌کند؛ بنابراین، در این وضعیت راهبردها، باید سعی شود که نقاط ضعف به حداقل ممکن رسانده‌شوند تا از تهدیدها آسیب کمتری ببیند.

نتایج حاصل از چهار وضعیت راهبردی که در قالب یک ماتریس ترسیم می‌شود، نمایی کلی از وضع موجود، وضع مطلوب و موقعیت راهبردی را با در نظر داشتن رسالت، چشم‌انداز، اهداف و سیاست‌های کلی یک پدیده روابط بین‌المللی نشان می‌دهد؛ با توجه به این مسائل شناسایی شده در ماتریس به‌منظور هم‌عرض کردن نقاط قوت با فرصت و ایجاد موانع در هم‌عرض شدن نقاط ضعف با تهدید، به استخراج، تدوین و پیشنهاد راهبردهایی در همین راستا نیاز است؛ این راهبردها، حرکت‌دهنده توانمندی‌ها و تعیین‌کننده تغییر وضع موجود به وضع مطلوب هستند (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۴ و ۵۵).

تصمیم‌گیرندگان عرصه سیاست خارجی می‌بایست با بررسی صحیح و با در نظر داشتن راهبردهای پیشنهادی، از یک سو با شناخت نقاط ضعف، آنها را تحت کنترل در آورند و با اقدام‌ها و تصمیم‌های متناسب با شرایط، به نقاط قوت تبدیل کنند و از سویی دیگر در جهتی گام بردارند که برای اتخاذ راهبردی مناسب نقاط قوت درونی با فرصت‌های بیرونی، همسو شوند و از همسوسدن نقاط ضعف درونی با تهدیدهای بیرونی جلوگیری کنند (صائمیان و ارغنده، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

پ - قضیه فلسطین

با اعلام فلسطین به‌عنوان سرزمین موعود و آغاز مهاجرت یهودیان به این منطقه، همواره یکی از مباحث مورد بحث در مطالعات مربوط به خاورمیانه، قضیه فلسطین بوده‌است که تحول‌های این منطقه را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده‌است که محور اساسی آن بر زیاده‌خواهی ایدئولوژیک صهیونیسم و مجری آن، یعنی اسرائیل استوار است.

پس از اینکه دولت انگلیس در ۱۴ می ۱۹۴۸، به قیمومت خود بر فلسطین و ماورای اردن

پایان داد، صهیونیست‌ها با استفاده از خلأ قدرت سیاسی، موجودیت رژیم صهیونیستی را اعلام کردند؛ این مسئله با جنایاتی مانند کشتار *دی‌ری‌اسی‌ن* و *کفر قاسم*، همراه شد که باعث رعب و وحشت و در نتیجه آوارگی فلسطینیان زیادی از مناطق زندگی خود شد؛ در پی این وقایع، جنگ میان اعراب و صهیونیست‌ها آغاز شد و ارتش‌های کشورهای عربی، شامل «مصر، سوریه، اردن، عراق و لبنان» به جنگ با اسرائیل، وارد شدند که در سال ۱۹۴۹ با شکست اعراب پایان یافت. کشورهای عربی که در رأس آنها سوریه و مصر در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ به جنگ با اسرائیل وارد شدند، باعث شدند سرزمین‌های بیشتری از دست اعراب خارج شوند و این اشغال، تاکنون نیز ادامه داشته است (نگاه کنید به: فتونی، ۱۹۹۹).

از مهم‌ترین مسائل قضیه فلسطین که با چالش‌های زیادی روبرو بوده است، می‌توان به مسائلی نظیر «مقاومت، موضوع آب، تعیین حدود مرزها، بازگشت آوارگان به سرزمین مادری خود، تقسیم شهر بیت‌المقدس و موضوع شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی فلسطین» اشاره کرد. قضیه فلسطین، تاکنون از سوی بسیاری از تحلیلگران و پژوهشگران سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است و در تمام این مطالعات، این نکته بیش از همه، مورد توجه قرار می‌گیرد که این قضیه پیچیده، نمونه خاص و استثنایی است که به طبع مطالعه و تحلیل جوانب و ابعاد مختلف آن اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی، بررسی خاصی را می‌طلبد. در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از روش تحلیل راهبردی که در بالا به آن اشاره شد، چگونگی تحقق آرمان فلسطین در سایه تحول‌های بیداری اسلامی بررسی شود، به این صورت که ابتدا به شناسایی نقاط ضعف و قوت در پرتو تهدیدها و فرصت‌ها پرداخته می‌شود؛ بعد از آن براساس داده‌های تحلیلی به ترسیم ماتریس از چهار وضعیت راهبردی قضیه فلسطین اقدام می‌شود که نتایج حاصل از آن، نمایی کلی از وضع موجود، وضع مطلوب و موقعیت راهبردی این قضیه را (با در نظر داشتن آرمان فلسطین) نشان می‌دهد. با توجه به برآیند ماتریس ترسیمی، راهبردهایی در جهت پیشبرد آرمان فلسطین پیشنهاد می‌شوند که دارای قابلیت تغییر وضع موجود به وضع مطلوب با توجه به فرصت بیداری اسلامی باشند.

۱- نقاط قوت درونی

هر پدیده‌ای در روابط بین‌الملل، نقاط قوتی دارد که دارای منشأ درونی هستند، زیرا نقاط قوت اگر منشأ بیرونی داشته باشند، فرصت نامیده می‌شوند. نقاط قوت قضیه فلسطین نیز با توجه به تأثیرگذاریشان در دوره‌های مختلف را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱-۱- مقاومت

مقاومت^۱ به حرکتی گفته می‌شود که در میان مردم یک قومیت نژادی و مذهبی یا یک کشور ضد اشغالگران بیگانه یا حاکمیت جریان خاصی ایجاد شده است. گروه‌های مقاومت از نظر تاریخی، قدمت زیادی دارند که آنها را مردم ضد جهان‌گشایان شکل می‌داده‌اند و برخی از آنها، موفق و برخی، ناموفق بوده‌اند.

اما یکی از قدیمی‌ترین جریان‌های مقاومت، یعنی مقاومت در مقابله با رژیم صهیونیستی فراز و فرود فراوانی داشته است. بیش از شش دهه از اشغال سرزمین‌های فلسطینی می‌گذرد و مردم فلسطین و سایر کشورهای عربی و اسلامی به دفاع از حقوق و آرمان فلسطین، یعنی آزادی سرزمین‌های اشغالی و تشکیل کشور فلسطین به پایتختی بیت‌المقدس اقدام کرده‌اند.

در این میان، گرایش‌ها، جریان‌ها، احزاب و گروه‌های فلسطینی، اسلامی و عربی با اتخاذ خط‌مشی‌های سیاسی، ایدئولوژیکی و نظامی تلاش می‌کنند که حقوق و اراضی فلسطینی و عربی را از اشغالگران بازپس بگیرند (نگاه‌کنید به: هلال، ۲۰۰۶ و حورانی، ۲۰۰۰). اگرچه دیدگاه‌های فراوانی برای تحقق آرمان فلسطین از جمله راه‌حل سیاسی و تشکیل دو دولت مطرح‌اند، دیدگاه غالب فعالان عرصه قضیه فلسطین، همان مقاومت است.

۱-۲- حمایت عمومی

بقا و تداوم هر پدیده روابط بین‌الملل مانند آرمان فلسطین، به میزان حمایت عمومی و مشارکت همسو در عرصه‌های مختلف آن، وابسته بوده، این اصلی است که نسبت به هر آرمان سیاسی، جاری و ساری است، بدین معنا که هیچ آرمانی نمی‌تواند خود را از این قاعده مستثنی کند، زیرا حمایت و مشارکت عمومی یا عدم وجود آن در بقا و تداوم آرمان در جامعه و زوال آنها، امری بدیهی و انکارناپذیر است.

آرمان فلسطین در چند دهه اخیر به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی ایران، همواره مورد توجه مردم فلسطین، جهان عرب و جهان اسلام بوده است؛ اما این امر به تقویت در تمام جهان بشریت، نیازمند است و باید همواره به‌دنبال فرایندی برای جلب افکار و حمایت عمومی بیشتر باشد.

۳-۱- حمایت خارجی

دولت‌ها همواره براساس منافع ملی یا ایدئولوژیک خود اقدام می‌کنند، به طوری که تصمیم‌گیران سیاست خارجی یک کشور، هنگامی که متوجه شوند حمایت از یک پدیده یا جریانی خارجی یا به شکل خاص درخصوص بحث مقاله آرمان فلسطین، موجب دستیابی به منافع یا مقبولیت یا ضربه‌زدن به دشمن یا رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود، به فکر بهره‌برداری از آن می‌افتند (قوام، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶ و ۲۰۷).

زیرا هر موضوعی در سیاست خارجی «داده، ستاده و ارزش افزوده» دارد و ورودی و خروجی آن برمبنای سیستم است، هر حمایتی باید در عرصه سیاست خارجی، فرایند تبدیل داشته‌باشد، یعنی منافع را تأمین کند؛ برای نمونه، داده یا ورودی، حمایت از یک آرمان است و ستاده یا خروجی آن، مقبولیت^۱ و کسب پرستیژ یا ضربه‌زدن به دشمن است. به‌طور عمومی، آرمان به حق یک ملت توسط یک یا چند دولت خارجی حمایت می‌شود و آرمان فلسطین نیز مورد حمایت دولت‌های مستقل جهان است. حمایت‌های خارجی برای دستیابی به آرمان فلسطین به‌طور عمومی به اشکال مختلف ارائه می‌شود؛ اغلب، این حمایت‌ها عبارت‌اند از: حمایت سیاسی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ حمایت مالی، تسلیحاتی؛ ارسال کالاهای ضروری و راهبردی برای گروه‌های فعال.

۲- نقاط ضعف درونی

در کنار نقاط قوت، هر پدیده‌ای در روابط بین‌الملل نقاط ضعفی دارد که منشأ آنها درونی است؛ اگر این نقاط ضعف منشأ خارجی داشته‌باشند، تهدید محسوب می‌شوند؛ نقاط ضعف قضیه فلسطین نیز با توجه به تأثیرگذاری منفی و ناکامی‌های آن در دوره‌های مختلف عبارت‌اند از:

۲-۱- اختلاف‌های درونی

اختلاف درونی میان اعراب، مسلمان و فلسطینیان، موضوعی جدید نیست و همین امر، یکی از دلایل از دست دادن سرزمین‌های اسلامی بوده است؛ صهیونیست‌ها و غربی‌ها نیز از این وضعیت، استفاده‌های فراوانی برده‌اند. کشورهای اسلامی و عربی هر یک با بهانه‌های سیاسی، ارضی، قومی و مذهبی با یکدیگر درگیرند و همین، یکی از موانع اصلی وحدت میان آنها در یک قضیه مشترک مانند قضیه فلسطین شده است (نگاه‌کنید به: البکاء، ۲۰۰۱).

1 . Acceptability

حتی میان فلسطینیان که از یک نژاد و سرزمین هستند این اختلاف‌ها وجود دارد و هر روز نیز بر عمق آن افزوده می‌شود به طوری که در جریان انتخابات ژانویه ۲۰۰۶، جنبش حماس به دلیل عملکرد بهتر در دو حوزه جهادی و خدماتی بر رقیب خود یعنی جنبش فتح پیروز شده، دولت تشکیل داد. جنبش فتح با پشتوانه جریان محافظه‌کار منطقه خاورمیانه به جای ترمیم و اصلاح درون‌تشکیلاتی خود به کارشکنی در دولت جدید پرداخت که این امر، موجب گسترش اختلاف‌ها شد. با گسترش اختلاف‌ها، میان این دو جنبش در ژوئن ۲۰۰۷، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان، دولت حماس را به ریاست /سماعی/ هنیه منحل کرد و حماس نیز این اقدام را نپذیرفت و پس از یک [دوره] درگیری نظامی محدود، از آن زمان تاکنون فلسطین به صورت دو پاره اداره می‌شود به طوری که غزه در اختیار جنبش حماس و کرانه باختری در اختیار جنبش فتح، با عنوان تشکیلات خودگردان قرار دارند. پیش و پس از تحولات جهان عرب در منطقه خاورمیانه، چند نشست محدود میان نمایندگان دو جنبش برای ایجاد آشتی ملی در مصر برگزار شدند که به نتیجه نرسیدند و [همچنان] اختلاف‌هایی از این دست در میان گروه‌های مختلف فلسطینی وجود دارد.

۲-۲- مشکلات اقتصادی

یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در دنیای امروز، عوامل اقتصادی است که در موفقیت و عدم موفقیت و درکل، تأثیری قابل توجه بر بقا و ادامه حیات یک نظام یا جریان سیاسی دارد؛ گروه‌های فلسطینی نیز از این مشکلات رنج می‌برند به طوری که تشکیلات خودگردان در کرانه باختری و جنبش حماس در نوار غزه با چالش‌های جدی اقتصادی روبرو هستند.

از زمان تشکیل تشکیلات خودگردان فلسطین، این تشکیلات با بحران اقتصادی روبرو بوده و هر روز نیز بر عمق آن افزوده شده است که به نظر می‌رسد، عوامل سیاسی داخلی و خارجی، نقشی مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری این بحران داشته‌اند. از عوامل اصلی می‌توان به «فساد بالای اداری و مالی در جنبش فتح، سیستم مالی و مالیاتی ناکارآمد، نداشتن برنامه صحیح و مشخص اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت، افزایش بیکاری، تراز منفی صادرات و واردات، کمبود منابع معدنی و تولید داخلی و عوامل بین‌المللی دخیل مانند تأثیر بحران اقتصاد بین‌المللی، گرانی بی‌سابقه مواد سوختی و غذایی در سال‌های اخیر و تأخیر در انجام تعهدات و ارائه کمک‌های مالی سالیانه به شکل کامل، توسط کشورهای متعهد از جمله اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای عربی، اشاره داشت.

نکته قابل توجه دیگر در این خصوص، اختلاف‌های سیاسی میان جنبش فتح و جنبش حماس

است که یکی از مهم‌ترین عوامل بالارفتن هزینه‌های مالی نیروهای امنیتی و همچنین مختل شدن برنامه ریزی اقتصادی در هر دو گروه حاکم بر فلسطین به‌شمار می‌آید؛ درخصوص جنبش حماس نیز در نوار غزه باید گفت که این منطقه به دلیل محاصره اقتصادی و امنیتی بودن از بحران اقتصادی چندین ساله‌ای رنج می‌برد، اما به دلیل فساد کمتر مالی و اداری، رابطه خوب رهبران حماس با مراکز خیریه در جهان اسلام و حمایت‌های برخی کشورهای منطقه، مشکل کمتری در هزینه‌های جاری خود دارد؛ اما در تأمین منابع مالی لازم برای امور زیربنایی با مشکل اساسی مواجه است.

بحران مالی اخیر که گریبان‌گیر تشکیلات خودگردان شده است، تبعات محسوسی از جمله عدم پرداخت حقوق چندین هزار نفر از کارکنان اداری و نظامی و همین‌طور، کاهش ارائه برخی خدمات عمومی و همچنین تبعات غیرمحسوسی مانند تعطیلی برخی طرح‌های زیرساختی به دلیل عدم تأمین مالی از سوی بانک‌ها را در پی داشته است؛ بنابراین باید گفت بحران اقتصادی، زندگی مردم فلسطین را تحت تأثیر خود قرار داده است و با ادامه روند کنونی، احتمال وقوع یک بحران انسانی در مناطق فلسطینی وجود دارد.

۲-۳- عدم وجود تشکیلات منسجم و رهبری واحد

هر تشکیلات منسجمی برای رسیدن به اهداف خود، به عناصری مانند انسان منظم و برنامه درست نیاز دارد. در یک تشکیلات، «رهبری و چگونگی اعمال آن»، موضوعی مهم است که به‌عنوان روندی از قدرت و نفوذ بر اعضا و گروه‌ها در یک سازمان تعریف می‌شود، رهبری، تأثیر مستقیم بر اعضا و گروه‌ها دارد و به دلیل تقسیم قدرت میان آنها در یک تشکیلات، حائز اهمیت است (ن ک: برنز، ۱۹۸۷).

از لحاظ تشکیلات، کشورهای عربی، اسلامی و گروه‌های مقاومت فلسطینی دارای یک تشکیلات منسجم و رهبری واحد برای پیگیری آرمان فلسطین نیستند و اغلب به‌صورت پراکنده عمل می‌کنند که دلایل آن را در عدم تقسیم حوزه کار تشکیلاتی و نامتجانس بودن اعضا باید جستجو کرد که در بیشتر گروه‌های مقاومت مشاهده می‌شود که موجب درگیری این گروه‌ها در امور تشکیلاتی شده است و به‌نظر می‌رسد، یکی از نقاط ضعف و مانعی جدی در دستیابی به آرمان فلسطین باشد.

۳- تهدیدات بیرونی

یکی از دیگر از موانع جدی در عدم تحقق آرمان فلسطین، تهدیدهای بیرونی است که از طرف

رژیم صهیونیستی و متحدان آن به‌ویژه غرب بر قضیه فلسطین وارد می‌شود که به تدابیر لازم برای مواجهه با آن نیازاست؛ این تهدیدها عبارت‌اند از:

۳-۱- سیاست خارجی هوشمند رژیم صهیونیستی

هر کشوری برای تدوین راهبردها و سیاست خارجی خود برای تأثیرگذاری لازم و تأمین اهداف و منافع ملی خود باید به‌طور جدی به امکانات و توانمندی‌ها و همچنین محدودیت‌های خاص خود توجه داشته‌باشد (قوم، ۱۳۸۲، ص ۵۱). از محدودیت‌های جدی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، عدم مشروعیت این کشور از طرف گروه‌های مقاومت و همسایگان عرب آن است. از ابتدای تشکیل رژیم صهیونیستی، همواره دو نوع سیاست خارجی در این کشور اتخاذ شده‌است که عبارت‌اند از: سیاست خارجی کنشی یا تهاجمی^۱ و سیاست خارجی واکنشی یا تدافعی^۲.

سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، دارای اهدافی مانند «به‌دست‌آوردن مشروعیت، کاستن از فشار افکار عمومی منطقه، تضعیف جریان مقاومت و روی کارآمدن حکومت‌های طرفدار غرب در جهان عرب» است. به‌نظر می‌رسد در شرایط فعلی، رژیم صهیونیستی با توجه به محدودیت‌های جدی که در منطقه با آن روبروست و تا روشن شدن وضعیت معادلات منطقه‌ای خاورمیانه به اتخاذ سیاست خارجی واکنشی یا تدافعی روی بیاورد.

رژیم صهیونیستی به‌خوبی می‌داند که با توجه به درگیربودن دو کشور همسایه در امور داخلی خود و بی‌ثباتی این کشورها و در اولویت قراردادن موضوع‌های خارجی، مانند قضیه فلسطین، هرگونه موضع‌گیری موجب تغییر روند و روی کارآمدن جریان‌های اسلامی و ملی ضد رژیم صهیونیستی در این کشورها می‌شود که [تسلط بر] این امر، هوشیاری بیشتر کشورهای عربی و اسلامی و همین‌طور، گروه‌های فلسطینی را نسبت به سیاست‌های هوشمند رژیم صهیونیستی می‌طلبد.

۳-۲- شهرک‌سازی در مناطق فلسطینی

یکی از مباحث پراهمیت قضیه فلسطین، ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین^۳ در اراضی فلسطینی با حمایت رژیم صهیونیستی در چند دهه اخیر است (مصالحه، ۲۰۰۱، ص ۹۴ و ۹۵). با تحول‌های جهان عرب، روند شهرک‌سازی در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی افزایش یافته‌است. از زمان

1 . Aggressive

2 . Defensive

3 . Israeli Settlement

مشخص شدن فلسطین به عنوان سرزمین موعود و آغاز مهاجرت یهودیان به این منطقه، همواره یکی از مباحث مورد مناقشه، توسعه طلبی رژیم صهیونیستی نسبت به اراضی فلسطینی بوده است.

این رژیم تا پیش از دهه ۷۰ با سوءاستفاده از فضای سنگین جنگ سرد، در سرزمین های عربی به درگیری های نظامی، وارد شد و بخش های زیادی از سرزمین عربی را اشغال کرد. با عبور از دهه ۷۰ و فروکش کردن جنگ سرد و فعال شدن گروه های مقاومت از جمله جنبش آزادی بخش فلسطین در عرصه بین المللی، رژیم صهیونیستی دیگر نمی تواند مانند گذشته به توسعه طلبی خود از طریق زور و اجبار ادامه دهد، چراکه این امر از نظر جامعه جهانی قابل پذیرش نبود.

از این رو، رژیم صهیونیستی، توسعه طلبی را از طریق انتقال یهودیان به مناطق اشغالی ۱۹۶۷ شامل کرانه باختری رود اردن، بیت المقدس شرقی، بلندی های جولان، صحرای سینا و نوار غزه و اسکان آنان در آن مناطق در قالب شهرک سازی ادامه داد تا بتواند بافت جمعیتی این سرزمین ها را به نفع یهودیان تغییر دهد (آجورلو، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲).

با آغاز تحول های جهان عرب، رژیم صهیونیستی به شکلی حساب شده به افزایش شهرک سازی اقدام کرد به طوری که بر پایه گزارش سالیانه سازمان غیردولتی اسرائیلی با نام اکنون صلح^۱ در ژانویه ۲۰۱۲، در حدود ۳۵۰۰ واحد مسکونی غیرقانونی، طی سال ۲۰۱۱ در کرانه باختری رود اردن در حال ساخت بوده و در همین سال، اوراق مناقصه ساخت و ساز ۱۵۷۷ واحد مسکونی در کرانه باختری و ۲۰۵۷ واحد مسکونی در شرق بیت المقدس منتشر شده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰).

رژیم صهیونیستی تلاش می کند تا از یک سو، اکثریت در این مناطق اشغالی و به خصوص بیت المقدس شرقی با یهودیان باشد و از سوی دیگر، در آینده، پایتختی یکپارچه در بیت المقدس داشته باشد (عاید، ۱۳۷۹، ص ۳۹ تا ۴۷)؛ از دلایل تأثیر این تحول ها بر افزایش شهرک سازی می توان به مشغول بودن مردم، گروه ها، احزاب و کشورهای عربی به بی ثباتی های موجود داخلی بر اثر تحول های سریع و ناگهانی کشورهای مؤثر جهان عرب مانند مصر و سوریه اشاره کرد؛ از سوی دیگر، توجه بیش از حد رسانه های عمده و پرمخاطب جهان عرب از جمله الجزیره و العربیه به تحول های اخیر به ویژه سوریه است که منحرف شدن افکار عمومی منطقه ای و جهانی از قضیه فلسطین به شکل عام و شهرک سازی به شکل خاص را در پی داشته است.

بنابراین توسعه طلبی و الحاق سرزمین های اشغالی به این رژیم و به دست آوردن برتری روانی و

داشتن برگ برنده در دیپلماسی در برابر طرف‌های مذاکره غربی، فلسطینی و عربی از اهداف اصلی رژیم صهیونیستی در افزایش شهرک‌سازی به‌شمار می‌رود؛ رژیم صهیونیستی، تاکنون نیز با این برگ برنده، امتیازها و حقوق بیشتری را از مذاکرات به‌دست آورده‌است؛ برای نمونه، فلسطینیان با تقلیل مطالباتشان، موضوع فرعی توقف شهرک‌سازی را پیش‌شرط آغاز گفتگوهای صلح قرار داده‌اند، درحالی‌که موضوع‌های اصلی، از جمله بازگشت آوارگان، عدم تخلیه سرزمین اشغالی و موضوع بیت‌المقدس، اولویت و اهمیت خود را به عنوان یک پیش‌شرط از دست داده‌است.

۳-۳- اقدام‌های دستگاه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی

دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی، «موساد»^۱ دارای سابقه طولانی جاسوسی و ضدجاسوسی و همچنین نیروهای متخصص امنیتی است که با بهره‌گیری از حمایت اطلاعاتی سازمان‌های جاسوسی و امنیتی کشورهای غربی به‌خصوص سازمان امنیت ایالات متحده آمریکا، یعنی «سیا»^۲ حوزه فعالیت خود را در تمام منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پراکنده‌است (نگاه کنید به: توماس، ۲۰۰۷ و نکدیومون، ۱۹۹۷).

این سازمان از ابتدای آغاز تحول‌های جهان عرب، فعالیت خود را به‌شدت گسترش داده‌است تا از خلأ امنیتی موجود استفاده لازم را ببرد؛ از شواهد سوءاستفاده رژیم صهیونیستی از این اوضاع کنونی، می‌توان به ترور برخی از عوامل مؤثر مقاومت فلسطینی مانند *شرف السعدی*، فرمانده گردان جنین در *کرانه باختری*، *احمد الشیخ خلیل* و *اسماعیل الاسمر* در نوار غزه از فرماندهان برجسته گردان‌های قدس جنبش جهاد اسلامی در ماه‌های اخیر و نیز به تحت فشار قرار دادن گروه‌های فلسطینی از جمله حماس و جنبش جهاد اسلامی اشاره کرد که در برخی موارد، قدرت مانور و عملیات را از آنها سلب کرده‌است؛ برای نمونه در چند ماه اخیر، ما شاهد عملیات‌های انتقامی مهمی در قبال افزایش حملات جنگنده‌های اسرائیلی به نوار غزه نبوده‌ایم.

از دلایل فضای ایجاد شده برای فعالیت اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی در شرایط کنونی می‌توان بدین موارد اشاره کرد: مشغول بودن دستگاه امنیتی کشورهای عربی به امور داخلی، خارج شدن مباحث امنیتی خارجی از اولویت کشورهای انقلابی، علنی شدن برخی اطلاعات راهبردی توسط مخالفان و انقلابیون، سقوط برخی نظام‌های عربی و در پی آن دستگاه‌های امنیتی آنها، فرار برخی از

1 . Mossad

2 . CIA

نیروهای امنیتی در پی تحول‌های جهان عرب به غرب و مورد تخلیه اطلاعاتی قرارگرفتن آنها و درنهایت، استخدام جاسوسان بیشتر و خرید اطلاعات که در شرایط عادی، امکان آن بسیار مشکل است.

۳-۴- اقدام‌های جریان محافظه‌کار ضد جریان مقاومت

با آغاز بیداری اسلامی، شاهد بروز اقدام‌های جریان محافظه‌کار در منطقه خاورمیانه شامل، عربستان سعودی، قطر، جریان ۱۴ مارس لبنان به رهبری سعد الحری‌ری و جنبش فتح ضد جریان مقاومت، شامل کشورهای ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت حزب‌الله لبنان و حماس بوده‌ایم. جریان مقاومت در مسئله فلسطین، خواهان رسیدن به آرمان فلسطین و آزادسازی تمام سرزمین فلسطین از طریق مقاومت بوده و نسبت به برقراری روابط با ایالات متحده آمریکا و غرب نگاهی بدبینانه دارد و خواهان تجدید نظر در ساختار قدرت در منطقه است.

جریان مقاومت برخلاف، جریان محافظه‌کار که سیاست بی‌طرفی و حتی همکاری با رژیم صهیونیستی را در جنگ غزه در سال ۲۰۰۸ درپیش گرفته‌بود، از هیچ کمکی به جنبش حماس دریغ نکرد. خط اصیل مقاومت به دنبال آزادی کل سرزمین‌های اشغالی فلسطین است، درحالی‌که جریان محافظه‌کار در طرح خود برای صلح با اسرائیل، تشکیل دولت فلسطین در مرزهای مناطق اشغالی ۱۹۶۷ را پیشنهاد داده است.

در جریان بیداری اسلامی، جریان محافظه‌کار که در ابتدا به دلیل سرعت وقایع به نوعی تضعیف شده بود به تدریج به کنترل اوضاع پرداخت و با همکاری غرب تلاش کرد تا جریان مقاومت را تحت فشار قرارداد، حرکتی را که پس از انقلاب مصر به سمت جریان مقاومت و ضدآمریکایی منطقه راه افتاده بود، متوقف کند تا از این قافله تغییرها در منطقه خاورمیانه بی‌نصیب‌نماند و به بازنده مطلق تبدیل نشود.

از جمله اقدام‌های جریان محافظه‌کار با همراهی غرب برای بازیابی قدرت خود در منطقه خاورمیانه می‌توان به «متهم کردن چهار عضو حزب‌الله لبنان در دادگاه بین‌المللی ویژه ترور رفی‌قی الحری‌ری، حمایت همه‌جانبه رسانه‌ای، مالی و تسلیحاتی از اعتراض‌های سوریه و تلاش برای ایجاد اختلاف در جریان مقاومت به خصوص در صحنه فلسطین اشاره کرد.

جریان محافظه‌کار در طول تحول‌های اخیر با گسترش روابط با بخش‌هایی از جنبش حماس با عناوین مذهبی و حمایت از معترضان سوری و ارسال کمک‌های مادی سعی دارد، میان این جنبش و جریان مقاومت، اختلاف ایجاد کند. لازم به اشاره است که برخی از اعضای حماس به دلیل

گرایش‌های اخوانی و همین‌طور، تحت تأثیر تبلیغات تفرقه‌افکنانه و القای جنگ مذهبی شبکه‌هایی مانند الجزیره و العربیه تصویری کنند، نظام سوریه در آینده نزدیک سقوط خواهد کرد و بر این مبنا خواهان هم‌نوايي با معترضان به‌ویژه با اسلام‌گرایان سلفی و اخوانی سوریه هستند.

۴- فرصت بیرونی بیداری اسلامی برای دستیابی به آرمان فلسطین

به عقیده برخی، تحول‌های اخیر جهان عرب با توجه به پیروزی اسلام‌گرایان و احیای برخی قوانین اسلامی نیز مرحله‌ای از روند بیداری اسلامی است که به نقطه عطف جدیدی، وارد شده است و به‌نظرمی‌رسد این روند، همچنان نیز ادامه داشته باشد. لازم به توضیح است که *سید جمال‌الدین اسدآبادی*، جرقه‌های اولیه جریان بیداری اسلامی را به‌عنوان یک روند (ن ک: ویکتوریچ، ۲۰۰۴) در اواخر قرن نوزدهم در دوران معاصر (به دلیل احساس عقب‌ماندگی جهان اسلام از غرب به‌سبب دورشدن از تفکرهای اصیل اسلامی) زد و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، یکی از نقاط عطف خود را پشت‌سر گذاشت.

درخصوص بیداری اسلامی در دهه‌های اخیر در جهان اسلام، دیدگاه‌هایی مختلف ارائه شده‌اند که قابل بررسی هستند؛ برای نمونه، *ساموئل هانتی‌نگتون*^۱، دلیل آن را بیرونی برمی‌شمارد، به شکلی که رشد اسلام‌گرایی را در عدم رضایت مسلمانان از سلطه و تهاجم فرهنگ غرب بر جهان اسلام می‌داند؛ در مقابل آن، *ری‌چارد دکمچی‌ان*^۲، دلیل آن را درونی تحلیل می‌کند، به‌طوری‌که ظهور اسلام‌گرایی را معلول بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی دانسته است (عارفی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۲). به‌نظرمی‌رسد برای ارائه تحلیلی صحیح از بیداری اسلامی می‌بایست تلفیقی از علل درونی و بیرونی را مدنظر قرارداد و این دو عامل، توأمان موجب سیر رو به رشد آن شده‌اند.

تحول‌های بیداری اسلامی در دو سال اخیر، کم‌وبیش موجب تغییرهایی در صحنه سیاسی داخلی و خارجی بیشتر کشورهای عربی شده است به‌طوری‌که در تونس، مصر و لیبی، شاهد «تغییر نظام»، در سوریه، بحرین و یمن تا «آستانه تغییر نظام و حتی جنگ داخلی»، در اردن، کویت و مراکش، شاهد «تغییر بخشی از قوانین و تغییر کابینه و رؤسای آن» و بالاخره در کشورهای دیگر عرب هم، شاهد تغییرهایی در سطوح پایین‌تر بوده‌ایم.

اگرچه جریان بیداری اسلامی در برخی کشورهای عربی به‌وقوع پیوسته یا در حال وقوع است، با

1 . Samuel Phillips Huntington (1927-2008)

2 . Richard Hrair Dekmejian

توجه به وابستگی متقابلی که میان کشورها در این منطقه وجود دارد، این تحولات فراتر از سطح ملی را تحت تأثیر قراردادها، تأثیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی را از خود برجای می‌گذارند. بر اثر تحولات بیداری اسلامی نظمی شکننده و متشنج را در خاورمیانه مشاهده می‌کنیم و این مسئله‌ای طبیعی است. به نظر می‌رسد تحولاتی که قرار است بر اثر تغییرهای ساختاری در یک نظام ایجاد شوند، نظام را به تنش و تشنج دچار می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱).

بیداری اسلامی به‌عنوان یک جریان فرصت‌ساز به مسلمانان یادآوری می‌کند که باید در سیاست‌های خود بازبینی کنند و با رجوع به منابع فکری و دینی اصیل خود و شرایط کنونی جهان، مانع از تسلط بیگانگان بر شئون ارضی، سیاسی و فرهنگی شوند؛ این جریان، دارای ابعاد، مطالبات و ظرفیت‌هایی گوناگون است که یکی از مطالبات اساسی آن، تحقق آرمان فلسطین به شکل عادلانه آن است. صهیونیسم، یک ایدئولوژی خطرناک است که موجب کشتار، آوارگی و زندگی دشوار میلیون‌ها انسان در چند نسل شده است که لازمه آن، جلوگیری از فراموشی آرمان فلسطین در اذهان عمومی است. تجربه انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از نقاط عطف جریان بیداری اسلامی به‌خوبی نشان داد که این جریان، قضیه فلسطین را نمی‌تواند امری حاشیه‌ای تلقی کند.

ت- تحلیل راهبردی آرمان فلسطین در بیداری اسلامی

همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، روش تحلیل راهبردی (SWOT)، یکی از روش‌های تحلیل در مدیریت راهبردی است که با شناسایی دقیق عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل بیرونی آن (فرصت‌ها و تهدیدها) و ترسیم شرایط موجود، به تدوین اهداف و راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت آن اقدام می‌کند. آرمان فلسطین به‌عنوان یک پدیده روابط بین‌الملل در قالب روش تحلیل (SWOT) از عناصر اصلی زیر تشکیل شده است.

۱- عناصر اصلی تحلیل

۱-۱- نقاط قوت (S)

- S1. مقاومت ضداسرائیلی در قالب کشورها، گروه‌های فلسطینی و لبنانی؛
- S2. حمایت عمومی افکار جهان اسلام، جهان عرب و فلسطین؛
- S3. حمایت دولت‌های آزادی‌خواه و حق‌طلب جهان.

۱-۲- نقاط ضعف (W)

- W1. اختلاف‌های درونی در جهان اسلام، جهان عرب و داخل فلسطین؛
 W2. مشکلات اقتصادی همراه با محاصره اقتصادی اراضی فلسطینی؛
 W3. عدم وجود تشکیلات منسجم و رهبری واحد برای پیگیری قضیه فلسطین.

۱-۳- تهدیدها (T)

- T1: سیاست خارجی هوشمند رژیم صهیونیستی؛
 T2: شهرک‌سازی در بیت‌المقدس و کرانه باختری رود اردن؛
 T3: اقدام‌های دستگاه امنیتی اسرائیل؛
 T4: اقدام‌های جریان محافظه‌کار منطقه خاورمیانه ضد جریان مقاومت.

۱-۴- فرصت (O)

با وجود فرصت‌های مختلف، در این تحقیق، بیداری اسلامی به‌عنوان فرصتی برای تحقق آرمان فلسطین دانسته شده که با بهره‌برداری صحیح از آن می‌توان به نتایجی قابل توجه دست‌یافت و همچنین شرایطی ایجاد می‌کند که قابلیت دفع تهدیدها را دارد.

۲- تحلیل چهار وضعیت پیش فرض

برای تنظیم ماتریس (SWOT) باید چهار وضعیت از راهبردهای ممکن را ترسیم کنیم تا بتوانیم به تحلیل مطلوب دست‌یابیم:

جدول شماره ۱: تهدیدها و فرصت‌ها

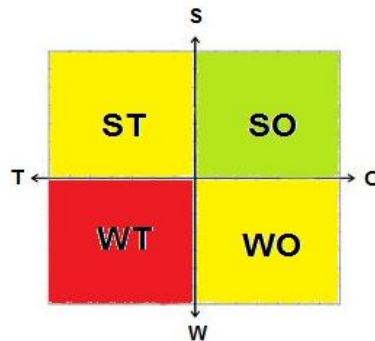
فرصت‌ها (O)	تهدیدها (T)	ماتریس SWOT
$(S1+S2+S3)+O=SO$	$(S1+S2+S3)+(T1+T2+T3+T4)=ST$	نقاط قوت (S)
$(W1+W2+W3)+O=WO$	$(W1+W2+W3)+(T1+T2+T3+T4)=WT$	نقاط ضعف (W)

منبع: طراحی نگارندگان

۲-۱- راهبرد قوت- فرصت (SO)

این راهبرد در نمودار شماره ۱ با وضعیت سبز مشخص شده که مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین وضعیت برای آرمان فلسطین است و بدین معنی است که این آرمان از درون با تقویت نقاط مثبت

خود، یعنی مقاومت، حمایت عمومی و حمایت خارجی، ضمن آنکه از وضعیتی مناسب بهره‌مند است، در محیط بیرونی خود نیز با فرصت بیداری اسلامی مواجه است؛ بنابراین، در این وضعیت راهبردی باید برای به‌کارگیری توانایی موجود آرمان فلسطین در جهت بهره‌برداری حداکثری از بیداری اسلامی اقدام کرد.



نمودار ۱: ماتریس SWOT

۲-۲- راهبردهای قوت - تهدید (ST)

این راهبرد در نمودار شماره ۱ با وضعیت زرد مشخص شده؛ در این وضعیت، آرمان فلسطین هرچند از نقاط قوت مناسبی مانند مقاومت، حمایت عمومی و حمایت خارجی بهره‌مند است، در محیط بیرونی خود نیز با تهدیدهایی نظیر سیاست خارجی هوشمند، شهرک‌سازی و اقدام‌های دستگاه امنیتی از سوی رژیم صهیونیستی و همچنین اقدام‌های جریان محافظه‌کار منطقه خاورمیانه ضد جریان مقاومت مواجه است؛ بنابراین، در وضعیت راهبردی باید از حداکثر توانایی موجود در آرمان فلسطین برای مقابله با تهدیدهای محیطی اقدام کرد.

۲-۳- راهبردهای ضعف - فرصت (WO)

این راهبرد در نمودار شماره ۱ با وضعیت زرد مشخص شده و در این وضعیت، هرچند فرصت بیداری اسلامی برای آرمان فلسطین در محیط فراهم شده، در مقابل با نقاط ضعف جدی مانند اختلاف‌های درونی، مشکلات اقتصادی، عدم وجود تشکیلات منسجم و رهبری واحد از درون مواجه است؛ بنابراین، در این وضعیت راهبردی باید با جبران نقاط ضعف درونی به استفاده بهینه از فرصت بیداری اسلامی اقدام کرد.

۲-۴- راهبردهای ضعف- تهدید (WT)

این راهبرد در نمودار شماره ۱ با وضعیت قرمز مشخص شده است که بدترین وضعیت برای آرمان فلسطین ایجاد می‌شود چراکه به‌رغم نقاط ضعف درونی مانند اختلاف‌های درونی، مشکلات اقتصادی، عدم وجود تشکیلات منسجم و رهبری واحد، در محیط بیرونی نیز با تهدیدهایی نظیر سیاست خارجی هوشمند، شهرک‌سازی و اقدام‌های دستگاه امنیتی از سوی رژیم صهیونیستی و همچنین اقدام‌های جریان محافظه‌کار منطقه خاورمیانه ضد جریان مقاومت، مواجه است؛ بنابراین، در این وضعیت راهبردی باید سعی کرد که نقاط ضعف کاهش داده‌شوند تا آرمان فلسطین از تهدیدهای بیرونی آسیب کمتری ببیند.

۳- راهبردهای پیشنهادی

تحقق آرمان فلسطین، یعنی آزادسازی قدس شریف و کل سرزمین اسلامی از دست اشغالگران صهیونیست به‌عنوان هدف اصلی قضیه فلسطین، با تدوین راهبردهای مناسب، محقق خواهد شد. افراد، سازمان‌ها، گروه‌ها و کشورهای دخیل در قضیه فلسطین می‌بایست با بررسی صحیح از یک‌سو با شناخت نقاط ضعف که بیان شدند، آنها را تحت کنترل درآوردند و با اقدام‌ها و تصمیم‌های متناسب با شرایط به نقاط قوت تبدیل کنند و از سویی دیگر در جهتی اقدام کنند که حتی نقاط قوت درونی با فرصت‌های بیرونی، همسو شوند و از هم‌سودن نقاط ضعف درونی با تهدیدهای بیرونی جلوگیری کنند. راهبردهای پیشنهادی این مقاله برای دستیابی آرمان فلسطین عبارت‌اند از:

۳-۱- نهادینه کردن ایدئولوژی اسلامی

ایدئولوژی، عبارت است از مجموعه‌ای از عقاید، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هدف‌گذاری‌های یک فرد یا جامعه انسانی که براساس آن «دستورالعمل‌ها، احکام اجرایی و اتخاذ سیاست داخلی و خارجی» شکل می‌گیرند (زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۶۳ تا ۶۵)؛ لذا هر فرد، گروه یا حکومتی برای دستیابی به اهداف خود به ایدئولوژی متناسب با طبیعت انسانی نیاز دارد.

ایدئولوژی اسلامی به دور از افراط و تفریط و همراه با برداشت صحیح از منابع اصیل آن، به دلیل دیدگاه توحیدی (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۸۸ و عسکر، ۲۰۰۶) و منطبق بر ذات انسانی، کارایی مناسبی در عرصه نظریه‌پردازی (نگاه‌کنید به: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹) و کاربردی برای رسیدن به همه اهداف

به‌ویژه آرمان فلسطین دارد. در اینجا چند راهکار در جهت نهادینه‌کردن اسلام در قضیه فلسطین ارائه می‌شوند که عبارت‌اند از:

۳-۱-۱- حضور فعال در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای: یکی از زمینه‌های نهادینه‌کردن اسلام در قضیه فلسطین، حضور فعال در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای در قضیه فلسطین است که در آن، مفاهیم بنیادی اسلامی را به اشکال صوتی، تصویری، اینترنتی و مکتوب برای مردم تبیین کند. یک رسانه اسلامی باید دارای ویژگی‌هایی مانند صداقت، پرهیز از ترویج مذهب‌گرایی، بیان مفاهیم در قالب هنری و ارائه برنامه‌های جذاب در راستای آرمان فلسطین باشد تا اثربخشی خود را حفظ و به تحقق آرمان فلسطین کمک کند.

۳-۱-۲- ارائه الگوی اسلامی برای مقابله با رژیم صهیونیستی: یکی از مهم‌ترین اقدام‌ها برای نهادینه‌کردن اسلام در قضیه فلسطین، ارائه الگوی اسلامی است که مصادیقی مانند مبارزه با توسعه‌طلبی و ظلم در آن برجسته باشد؛ این الگو برای مؤثر بودن باید دارای چند پیش‌شرط باشد:

۳-۱-۲-۱- واقعی بودن: یکی از پیش‌شرط‌های الگوی مؤثر اسلامی، واقعی و عدم افسانه‌بودن واقعه است، زیرا افسانه‌ها به دلیل غیرواقعی بودن دارای غلو و بزرگ‌نمایی و اقدام‌هایی خارج از توان انسانی هستند؛ همین امر، موجب عدم باورپذیری و تطبیق آن با اوضاع کنونی می‌شود و از تأثیر فرهنگی آن به شدت می‌کاهد و نمی‌تواند الگویی نه‌چندان مناسب برای جامعه باشد؛ درمقابل، یک الگوی واقعی، این باور را ایجاد می‌کند که انجام آن توسط مردم عادی، ممکن است و با پیاده‌کردن آن با شرایط امروزی به اهداف خود دست می‌یابد.

۳-۱-۲-۲- مورد پذیرش اکثریت قرارگرفتن: یکی دیگر از پیش‌شرط‌های الگوی مؤثر اسلامی، موردپذیرش بودن الگو توسط اکثریت جامعه و مذاهب اسلامی است، زیرا اگر این الگو توسط بخشی از جامعه پذیرفته و از طرف بخشی دیگر، پذیرفته نشود از تأثیرگذاری‌اش کاسته می‌شود و کارکرد خود را به دلیل انتقادهای مخالفان از دست می‌دهد.

برای نمونه می‌توان بر الگوی مقاومت با ایدئولوژی اسلامی کنونی تأکید کرد، زیرا این مقاومت اسلامی، موجب شکست رژیم صهیونیستی و اجبار آن به تخلیه جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و غزه در سال ۲۰۰۵ شد که این امر، بدون دادن امتیاز یا تضمین انجام‌شده است که نشان‌دهنده کارایی آن است. به نظر می‌رسد، ایدئولوژی اسلامی همراه با مقاومت، تنها راه رسیدن به آرمان فلسطین است و راهبرد نهادینه‌کردن ایدئولوژی اسلامی از نظر فعالان عرصه فلسطین نباید دست‌کم‌گرفته شود که

به‌ویژه با همسویی با فرصت‌بیداری اسلامی، قابلیت و کارکرد بیشتری دارد.

۳-۲- راهبرد گسترش وحدت

همان‌طور که اشاره شد، یکی از نقاط ضعف مسلمانان، اعراب و فلسطینیان دورشدن از یکدیگر و اختلاف‌های فراوان ایشان با یکدیگر است. قرآن کریم ضمن تقبیح تفرقه به وحدت توصیه می‌کند و تنها راهکار رسیدن به وحدت را از طریق تمسک‌جستن دستوره‌های الهی یا همان اسلام می‌داند، به طوری که در این آیه شریفه خداوند می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۳) و در جایی دیگر بیان می‌کنند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۵).

حضرت محمد (ص) نیز، همواره اصحاب خود از جمله انصار و مهاجرین را به برادری و وحدت فرامی‌خواندند و در این زمینه می‌فرماید: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ، وَالْفِرْقَةُ عَذَابٌ» (فلاح زاده، ۱۳۸۵، سایت حوزه). حضرت علی (ع) را بی‌گمان اسوه وحدت باید نامید، زیرا پس از رحلت پیامبر (ص) با وجود اینکه خلافت و امامت را بر اساس سفارش‌های ایشان، حق مسلم خویش می‌دانست، هرگز حاضر نشد تفرقه ایجاد شود و برای حفظ وحدت و انسجام جامعه اسلامی از هیچ کوششی دریغ نکرد، به طوری که در جایی می‌فرماید: «وَالزُّمُورُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفِرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّبِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

با توجه به اختلاف سلاطین و افکار که در جامعه انسانی، امری طبیعی است، این به معنای وحدت در تمام زمینه‌ها نیست، بلکه هر گروه، حزب و حتی شخص می‌تواند، ایدئولوژی و افکار خود را در موضوع‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته‌باشد، ولی سطح این اختلاف‌ها نباید در حدی باشند که موجب آسیب‌رسیدن به آرمان فلسطین شوند. راهبرد گسترش وحدت به این گونه است که فعالان عرصه قضیه فلسطین سعی کنند ابتدا از هر اقدامی که موجب تشدید اختلاف‌ها می‌شود، بپرهیزند و در مرحله بعد با کم‌کردن سطح اختلاف‌ها به تدریج به سوی وحدت حرکت کنند.

در اینجا چند راهکار کاربردی در جهت گسترش وحدت که برخی، نتیجه‌بخشی سریع و بخشی دیگر، تدریجی دارند، ارائه می‌شوند که عبارت‌اند از:

۳-۲-۱- افزایش سطح تعامل‌های منطقه‌ای: اولین راهکار برای کاهش منازعه و برطرف‌شدن

سوءبرداشت‌ها، افزایش تعامل‌های دیپلماتیک میان طرفین است، زیرا هر مقدار، سطح این تعامل‌ها بالا

رود، طرفین به درکی صحیح‌تر از نگرانی‌ها و اهداف یکدیگر می‌رسند.

۳-۲-۲- مقابله با اقدام‌های حساسیت برانگیز مذهبی و قومی: یکی دیگر از راهکارها، پرهیز طرفین از تحرک و تحریک‌پذیری از فتنه‌های قومی و مذهبی برای عدم گسترش آن در میان عموم مردم است؛ زیرا این امور اگر در میان مردم مطرح شوند، موجب ایجاد بحران‌هایی غیرقابل کنترل خواهند شد که طرفین از آن آسیب خواهند دید.

۳-۲-۳- تأکید بر تهدیدهای مشترک: یکی دیگر از راهکارها، تأکید بر تهدیدهای مشترک از جمله رژیم صهیونیستی است که همه جریان‌ها با تفاوت دیدگاه نسبت به پایان این قضیه، رژیم صهیونیستی را یکی از تهدیدهای منطقه می‌دانند.

۳-۳- راهبرد حرکت تشکیلاتی

انسان، موجودی آرمان‌گرا است و دستیابی به آرمانی که انسان در ذهن خود می‌پروراند، همواره ممکن نیست، تاریخ به بشر آموخته که برای تحقق آرمان‌های خود باید در جستجوی ابزار و روش مناسب باشد. انسان به اقتضای اندیشه و شناخت شرایط و شواهد عینی که به پیش‌بینی اتفاق‌های محتمل منجر می‌شود، به اتخاذ شیوه‌هایی، نیازمند است که وی را برای نیل به اهداف و حفظ روحیه آرمان‌خواهی تقویت و تجهیز کنند. تحقق آرمان فلسطین از طریق طراحی سازمان‌ها، نظام‌ها و روش‌های مناسب توسط تشکیلات^۱ منسجم شکل می‌گیرد؛ این تشکیلات نیز برای موفقیت به رهبری نیازمند است که بتواند موارد زیر را محقق سازد:

۳-۳-۱- مدیریت راهبرد درازمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در قضیه فلسطین؛

۳-۳-۲- هدایت اعضا، کشورها و گروه‌های درون تشکیلات؛

۳-۳-۳- ایجاد ارتباط متقابل با کشورها و گروه‌های خارج از تشکیلات، مؤثر در قضیه فلسطین؛

۳-۳-۴- کاهش اختلاف‌های میان اعضا از طریق مدیریت بحران؛

۳-۳-۵- ایجاد ساختار مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها.

وجود اختلاف دیدگاه در نوع برخورد با یک پدیده بین‌المللی نظیر قضیه فلسطین، امری طبیعی است، زیرا افراد، گروه‌ها و دولت‌ها هر یک راه رسیدن به آرمان فلسطین را در راهکارها و سیاست‌های خاص می‌دانند و بر اساس آن اقدام می‌کنند؛ اما ورای این اختلاف‌ها به دلیل شرایط جغرافیایی و

قومیتی ارتباطات زیادی میان این جوامع و دولت‌ها وجود دارد، به‌گونه‌ای که دارای ارتباطات برون مرزی با یکدیگر هستند؛ لذا ایجاد یک نهاد با در نظر گرفتن مشکلات یادشده، به‌ویژه آنچه از ناحیه نخبگان مطرح شد، با کمی مسامحه در ایجاد حرکتی تشکیلاتی، قابل پذیرش است.

برای گام اول، یک نهاد ارتباطی میان بازیگران تأثیرگذار در قضیه فلسطین ایجاد یا یکی از نهادهای موجود در این راستا تقویت شود که در آن، سازوکار ارتباطی میان دولت‌ها، گروه‌ها و افراد مؤثر در قضیه فلسطین ایجاد شود؛ این نهاد می‌بایست از ورود به رقابت‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی پرهیز کند تا اعتماد عمومی از آن سلب نشود؛ وظیفه این نهاد، «پیگیری کردن موضوع‌های مرتبط با قضیه فلسطین در مواردی مانند آوارگان، مقاومت، بیت‌المقدس، سازمان‌های بین‌المللی» باید باشد و در گام‌های بعدی، این نهاد با توافق جمعی به سازمان با رهبری منظم تبدیل شود.

نتیجه‌گیری

بیداری اسلامی به‌عنوان فرصتی مناسب برای تحقق آرمان فلسطین، به اقدام همه‌جانبه جهان اسلام در ابعاد علمی و عملی، نیازمند است، زیرا در صورت عدم تحلیل، بررسی و ارائه راهکارهایی علمی و اجرایی در این زمینه، این فرصت به تهدید تبدیل می‌شود که نظم و امنیت عمومی مردم را به‌طور جدی به‌چالش می‌کشد.

آرمان فلسطین و پایان یافتن آن به شکلی که به آزادی قدس شریف و بازگشت آوارگان به سرزمین خود منجر شود، در رأس اهداف جریان بیداری اسلامی قرار دارد. رژیم صهیونیستی با همکاری مستقیم غرب به‌عنوان متحد اصلی و راهبردی خود و با همکاری غیرمستقیم برخی از سران کشورهای منطقه خاورمیانه، برای انحراف آرمان فلسطین تلاش‌ها و اقدام‌های فراوانی را انجام می‌دهد؛ از مهم‌ترین اقدام‌ها می‌توان بدین موارد اشاره کرد: استفاده از غفلت رسانه‌ها که بیشتر درگیر پوشش دادن اخبار درگیرهای سیاسی و گاه نظامی داخلی کشورهای عربی هستند؛ فعال شدن دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی، یعنی «موساد» در فضای خلأ قدرت ضدجاسوسی کشورهای عربی و در آخر، افزایش روند شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی.

با استفاده از روش تحلیل راهبردی که بیان‌شد، مشخص می‌شود که مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین وضعیت برای آرمان فلسطین، همسویی مقاومت با فرصت بیداری اسلامی است که این امر به‌کارگیری نقاط قوت موجود قضیه فلسطین در جهت بهره‌برداری حداکثری از بیداری اسلامی، نیازمند است.

باید به فرصت بیداری اسلامی به‌عنوان یک روند بلندمدت نگاه‌کرد و از این‌رو نباید دچار شتابزدگی و ساده‌انگاری شد، زیرا همان‌گونه‌که آثار انقلاب اسلامی ایران پس از سه دهه تحول‌ها ملموس شده‌اند، آثار و پیامدهای بیداری اسلامی نیز، خود را سال‌ها بعد نشان خواهد داد.

راهبردهای ارائه‌شده مانند نهادینه‌کردن ایدئولوژی اصیل اسلامی در مقاومت، راهبرد حرکت تشکیلاتی با رهبری واحد و هوشمند و گسترش وحدت و کم‌کردن سطح اختلاف‌ها، ممکن است بعید به‌نظر برسند، ولی این مسئله نباید مانع حرکت هرچند تدریجی به سوی این راهبردها شود، زیرا آنها در برخی از شرایط، نتیجه‌بخشی سریع، ولی به‌طور معمول، تدریجی و زمان‌بر دارند که به استقامت و مقاومت همراه با برنامه‌ریزی صحیح نیازاست.

در این نوشته سعی شد با پرداختن به موضوع بیداری اسلامی و قضیه فلسطین به‌عنوان آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران به تصمیم‌گیرندگان عرصه سیاست خارجی در جهان اسلام به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، این نکته را گوشزد کرد که باید با شناخت درست از ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و نقاط ضعف تحول‌های اخیر، راه دستیابی به اهداف بیداری اسلامی را هموار کرد.

فهرست منابع

۱- منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «روش تحلیل راهبردی (SWOT)»، *فصلنامه حصون*، شماره سیزده، پاییز، صص ۳۹-۵۷.
- آجورلو، حسین (۱۳۹۰)، «ایجاد فضای حیاتی امنیتی با شهرک سازی»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*، دوره جدید، شماره پنجم، شماره پیاپی دوازدهم، بهار، صص ۱۲۳-۱۵۸.
- باغجری، کمال (۱۳۹۰)، *بیداری اسلامی ۱ (دلایل و ریشه‌ها)*، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۶)، «معنویت و نقش آن در مبارزه با دشمن»، *فصلنامه حصون*، شماره سیزدهم، پاییز، صص ۸۸-۱۰۹.

- حیدری، محمد و انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۸)، «رفتار شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره نهم، زمستان، صص ۱۷۳-۱۹۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، «مبانی فرا نظری نظریه اسلامی روابط بین الملل»، *فصلنامه بین المللی روابط خارجی*، سال دوم، شماره ششم، تابستان، صص ۴۹-۹۶.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۳)، *واژه‌نامه‌ی فرهنگی سیاسی*، چاپ اول، تهران: کتاب صبح.
- صائمان، صدیقه و ارغنده، رضا (۱۳۸۶)، «بررسی جهانی شدن اقتصاد ایران با نگرشی بر روش SWOT»، *دو ماهنامه مدیریت*، سال هجدهم، شماره ۱۲۳-۱۲۴، صص ۲۱-۲۷.
- صوفی نیارکی، تقی (۱۳۹۱)، *بیداری اسلامی، هویت تمدنی و چالش‌های پیش‌رو*، تهران: انتشارات نهضت نرم‌افزاری.
- عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۰)، «پاکستان و بنیادگرایی اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۶، زمستان، صص ۲۶۱-۲۷۸.
- عاید، خالد (۱۳۷۹)، *شهرک سازی در مناطق اشغالی*، ترجمه عبدالکریم جادری، تهران: دوره عالی جنگ.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت.
- مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۹۱)، *بیداری اسلامی ۲ (ویژه مطالعات موردی)*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- ولدانی، اصغر جعفری (۱۳۸۳)، «اسلام‌گرایی در فلسطین و زمینه‌های آن»، *فصلنامه پژوهش حقوق*، شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۷۷-۹۶.

۲- منابع عربی

- البکاء، طاهر خلف (۲۰۰۱)، *فلسطین من التقسیم الی اوسلو ۲: ۱۹۳۷-۱۹۹۵*، بغداد: دار الشوون الثقافیه اعامه، ۲۳۹-۲۴۱.

تحليل راهبردی تحقق آرمان فلسطين در پرتوی بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا

- توماس غوردون (٢٠٠٧)، *جواسيس جدهون التاريخ السرى الموساد*، مترجم: مروان سعد الدين، بيروت: الدار العربية.
- حوراني، فيصل (٢٠٠٠)، *نشأة الحركة الوطنية الفلسطينية وتطورها حتى نهاية القرن العشرين*، كتاب محرر، غزة: المركز القومي للدراسات والتوثيق.
- عسکر، عبد المقصود (٢٠٠٦)، *العدل والسلام في ظل الإسلام*، القاهرة: دار التوزيع والنشر الإسلاميه.
- فتونى، على عبد (١٩٩٩)، *المراحل التاريخية للصراع العربى-الإسرائيلى*، بيروت: دار الفارابى.
- مصالحه، نور الدين (٢٠٠١)، *اسرائيل الكبرى و الفلسطينيين: سياسه التوسع ١٩٤٧-٢٠٠٠*، بيروت: موسسه الدراسات الفلسطينية.
- الندوة الفكرية السياسية (٢٠٠٠): *خبرات الحركة السياسية الفلسطينية فى القرن ٢٠*، كتاب محرر، غزة: المركز القومي للدراسات والتوثيق.
- نكديمون، شلومو (١٩٩٧)، *الموساد فى العراق و دول الجوار: انهيار الآمال الاسرائيليه و الكرديه*، مترجم: بدر عقيلى، عمان: دار الجليل.
- هلال، جميل (١٩٩٨)، «نظرة تأملية فى تاريخنا الحديث»، *مجلة الكرمل*، العددان ٥٥-٥٦، ربيع /صيف، ص ٣٢-١١.
- هلال، جميل (٢٠٠٦)، *التنظيمات والأحزاب السياسية الفلسطينية: بين مهام الديمقراطية الداخلية والديمقراطية السياسية والتحرر الوطنى*، رام الله: مواطن المؤسسة الفلسطينية لدراسة الديمقراطية.

٢- منابع انگليسى

- Böhm, Anja (2008), *The SWOT Analysis*, Norderstedt: GRIN Verlag.
- Burns, James MacGregor (1978), *Leadership*, New York, NY: Harper & Row.
- Fine, Lawrence G.(2009), *The SWOT Analysis: Using Your Strength to Overcome Weaknesses, Using Opportunities to Overcome Threats*, New York, NY: CreateSpace.

- Pahl, Nadine and Richter, Anne (2007), *Swot Analysis - Idea, Methodology and a Practical Approach*, Norderstedt: GRIN Verlag.
- Wiktorowicz, Quintan(2004), *Islamic Activism: A Social Movement Theory Approach*, Bloomington: Indiana University Press.
- Neni Manize, "SWOT analysis definition", SWOT ANALYSIS, TOWS ANALYSIS blog, date of visit 27/5/2013:
<http://realswotanalysis.blogspot.com/2010/04/swot-analysis-definition.html>.

۳- منابع الکترونیکی

- «افزایش ۱۹ درصدی شهرک سازی اسرائیل در کرانه باختری در سال ۲۰۱۱»، سایت خبرگزاری فارس، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۳۹۰/۱۰/۲۰:
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901020001464>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، «چهار سطح تغییر در منطقه»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۳۹۱/۷/۲۰:
<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21139>
- فلاح زاده، محمد حسین(۱۳۸۵)، «چهل حدیث وحدت»، سایت حوزه نت، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۳۸۵/۵/۲:
<http://www.hawzah.net/fa/article/articleview/5107?ParentID=81268>
- محمدی، جواد و رفیعی، علی، «آسیب شناسی جنبش بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، مجموعه مقالات ۲۵ همایش بین المللی در پایگاه علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/۸/۵:
<http://www.taghrib.org/pages/content.php?tid=140>
- Neni Manize, "SWOT analysis definition", SWOT ANALYSIS, TOWS ANALYSIS blog, date of visit 27/5/2013:
<http://realswotanalysis.blogspot.com/2010/04/swot-analysis-definition.ht>

Strategic analysis of Realization of Palestinian Ideal in the Light of Islamic Awakening in Middle East and North Africa

Dehqani Firuzabadi, S.J. ^{1*}
Ayorlu, H. ²

Received on: 08/29/2014
Accepted on: 12/29/2014

Abstract

With the unfolding of recent developments in the Arab world and fall of political systems in some of Arab countries as well as spread of Islamic thoughts, new grounds have been created for new wave of Islamic awakening. It seems that this wave has become dynamic over the past few years. Islamic awakening is an opportunity for realization of the ideal of Palestine. The present paper is an attempt to answer the following question on the basis of SWOT strategic analysis: What are the suitable and possible strategies for the realization of Palestinian ideal in the light of Islamic awakening opportunity? Attempts have been made through strategic analysis method to analyze the strong points of the Palestinian issue such as resistance, public support, foreign support as well as its weak points such as internal differences, economic problems, lack an integrated organization and a single leadership as well as the threats it faces such as intelligent foreign policy, settlement building, measures of the security system of the Zionist regime and measures of the conservative trends in the Middle East against resistance. Taking into account the opportunities of the Islamic awakening in the aftermath of the developments in the Arab world, attempts have been made to offer some strategies to institutionalize the Islamic ideology, a strategy for organized movement and promotion of unity, which seems to be necessary for the promotion of Islamic awakening and its move towards correct direction.

Keywords: Palestinian Ideal, , Islamic Awakening, Strategic Analysis, Middle East, Northern Africa.

1* . Professor, Faculty of International Relations, Allame Tabatabaie University.

(Corresponding Author: jdehghani20@yahoo.com)

2 . Ph.D of international relation, Islamic University, Lebanon.